

پیش به سوی احداث و توسعه مراکز مواد آموزشی

محمد رضا دیماری^۱

چکیده

مراکز مواد آموزشی در واقع کتابخانه‌های جدید مدارس هستند که علاوه بر منابع مکتوب سایر رسانه‌های دیداری - شنیداری را نیز گردآوری، سازمان‌دهی، و ارائه می‌کنند. در کشور ما به دلیل افزایش سریع جمعیت از سویی و استقبال عمومی از آموزش و پرورش از سوی دیگر، مشکلاتی از قبیل کمبود معلم و کمبود فضای آموزشی به وجود آمده است. علاوه بر این، به دلیل تحولاتی که در زمینه‌های علمی و تکنولوژی آموزشی روی می‌دهد، همچنین جهت پاسخگویی به نیازهای متنوع آموزشی دانش‌آموزان - با توجه به تفاوت‌های فردی آنان - لازم است نسبت به احداث و توسعه مراکز مواد آموزشی توجه بیشتری به عمل آید.

کلیدواژه‌ها

مراکز مواد آموزشی، کتابخانه‌های آموزشی، مراکز چندرسانه‌ای، مراکز رسانه‌ها، مراکز منابع، مراکز یادگیری

ژورنال علمی-پژوهشی
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

مرکز مواد آموزشی چیست؟^۱ رتال جامع علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
قبل از آغاز بحث، شاید لازم باشد تعریفی
- هرچند مختصر - از مراکز مواد آموزشی^۲
ارائه شود. مرکز مواد آموزشی نام‌های
متعددی دارد مانند «مراکز چندرسانه‌ای»^۳،
«مراکز رسانه‌ها»^۴، «مرکز منابع»^۵، و «مراکز

منابع یادگیری»^۶. در دانشنامه کتابداری و
اطلاع‌رسانی، زیر مدخل مرکز مواد آموزشی
آمده است: «اتاقی در دبستان یا دبیرستان‌های
آمریکا که تمام مواد آموزشی (مثل: کتاب،
ادواری‌ها، مواد بایگانی آویخته، اسلاید،
فیلم، فیلم ستریپ، مواد شفاف، نوار، مدل،

۱. کارشناس ارشد کتابداری و اطلاع‌رسانی و عضو هیئت علمی دانشگاه بوعلی سینا همدان hem75sar_5@yahoo.com

2. Instructional material center
3. Multimedia center
4. Media center

5. Resource center
6. Learning resources center

بازتکثیرهای هنری) در آن قرار دارد و برای استفاده استادان و شاگردان به امانت داده می‌شود. [مرکز منابع درسی].

عبارت اخیر درون قلاب، مبین آن است که تعریف ارائه شده در مورد مرکز منابع درسی نیز صادق است. به عبارت دیگر، «مرکز منابع درسی» و «مرکز مواد آموزشی» از دیدگاه مأخذ یاد شده، مترادف محسوب می‌شوند (۷: ۳۸۹).

در همین کتاب، زیر مدخل مرکز رسانه‌ها چنین می‌خوانیم: «مرکزی که تمام رسانه‌های اطلاعاتی، اعم از چاپی و غیرچاپی، و وسایل لازم برای بهره‌برداری از آنها و نیز متخصصان رسانه‌ها در آن گرد آمده باشند تا بازیابی اطلاعات برای دانش‌آموزان و مدرسان میسر گردد. به معنی «کتابخانه‌های آموزشی» و نیز «مرکز آموزش» نیز به‌کار رفته است [مرکز چندرسانه‌ای؛ مرکز رسانه‌های اطلاعاتی] (۷: ۳۸۵).

این کتاب، مرکز منابع را نیز چنین توصیف کرده است: «مجموعه‌ای از کتاب‌ها و انواع مواد غیرکتابی که شامل منابع اطلاعاتی مربوط به دروس دبستان، کالج و مؤسسات آموزش عالی است و از آنها به‌عنوان کمک آموزشی استفاده می‌شود. مراکز منابع در واقع فرم گسترش‌یافته کتابخانه در مراکز آموزشی هستند و در برخی کشورها استانداردهای خاصی برای تأسیس آنها وجود دارد. انجمن کتابداران انگلیس در سال ۱۹۷۰ استاندارد برای مراکز منابع آموزشی را منتشر کرد

[مراکز منابع] (۷: ۳۸۸).

به علاوه، با مروری بر آثار منتشر شده در این زمینه درمی‌یابیم که شاید یکی از مهم‌ترین دلایل نام‌گذاری‌های مختلف این باشد که توافق و اجماعی در این‌باره صورت نگرفته است؛ به‌طوری‌که گاهی از آنها با نام «مواد سمعی و بصری» یا «مواد دیداری - شنیداری»^۷ (۲۲)؛ و زمانی با عنوان «مواد غیرکتابی»^۸ (۲۳:۹)، و گاهی نیز با نام «مواد غیرچاپی»^۹ (۲۵) یاد می‌شود. همین امر نیز باعث نام‌گذاری‌های متفاوت در مورد محل نگهداری، سازمان‌دهی، و اشاعه این مواد شده است؛ به‌گونه‌ای که با نام‌هایی چون: «مرکز منابع یادگیری» (۱۵: ۲۸؛ ۸: ۱۲)، «مرکز رسانه‌ها» (۲۴: ۲۵)، «مراکز چندرسانه‌ای» (۲۰: ۱۴۳)، «مراکز مواد آموزشی» (۳: ۴)، و نیز «مرکز منابع» (۲۱: ۲۸-۲۹) نامیده می‌شوند. البته با کمی تسامح، می‌توان این اصطلاحات را مترادف دانست. از آنجا که در حوزه علوم تربیتی، اصطلاح «مراکز مواد آموزشی» متداول‌تر است و در گرایش تکنولوژی آموزشی درسی با عنوان «آشنایی با مراکز مواد آموزشی» وجود دارد در مقاله حاضر نیز همین اصطلاح پذیرفته شده است.

مراکز مواد آموزشی را می‌توان شکل تکامل یافته کتابخانه‌های آموزشی دانست، با این تفاوت که در کتابخانه‌های آموزشی مواد مکتوب بخش عمده مجموعه را تشکیل می‌دهند، درحالی‌که در مراکز مواد آموزشی به

7. Audiovisual materials

8. Non-book materials

9. Non-print materials

کلیهٔ رسانه‌های حاوی اطلاعات بدون تأکید بر شکل خاصی از آنها پرداخته می‌شود. در تعریف کتابخانه، صاحب‌نظران تعاریف مختلفی ارائه کرده‌اند که به کرات در کتاب‌ها و مقالات مختلف آمده است؛ به همین دلیل و نیز به منظور جلوگیری از پراگویی از تکرار مجدد آنها درمی‌گذریم. اما برآیند همهٔ آنها را می‌توان چنین خلاصه کرد: کتابخانه سازمانی است که برای اهدافی معین، منابع حاوی اطلاعات و دانش مدون را گردآوری کرده و پس از سازمان‌دهی، تحت ضوابطی معین، در اختیار اعضا و متقاضیان قرار می‌دهد. همان‌گونه که ملاحظه می‌شود، آنچه محور فعالیت‌های کتابخانه به‌شمار می‌رود «منابع اطلاعات و دانش مدون» است. طبیعی است این منابع اطلاعاتی در طول تاریخ همواره شکل و به عبارت بهتر محل یکسانی نداشته‌اند، بلکه زمانی بر لوحه‌ها و طومارها و زمانی دیگر بر اوراق کتاب‌ها ثبت می‌شده‌اند، زیرا رسانه‌ها و محمل‌های بهتر و مناسب‌تری جهت ثبت و ضبط و اشاعه و انتقال اطلاعات وجود نداشته است. در واقع محمل‌ها تجلی توان فناورانهٔ جوامع در دوره‌های مختلف نیز به‌شمار می‌رفته‌اند (۶: ۶۴). بنابراین، اگر تا گذشته‌ای نه چندان دور، کتابخانه‌ها به گردآوری و سازمان‌دهی اطلاعات به صورت مکتوب - اعم از کتاب یا نشریهٔ ادواری - می‌پرداختند به این دلیل بود که رسانهٔ مناسب‌تری اختراع نشده بود و اگرچه به تدریج با به بازار آمدن انواع

رسانه‌های دیگر^{۱۰}، کتابخانه‌ها، از جمله کتابخانه‌های آموزشگاهی، به گردآوری آنها در کنار مواد مکتوب روی آورده‌اند، همچنان مواد مکتوب، محور اصلی فعالیت آنها را تشکیل می‌داده است. از آنجاکه این رسانه‌ها دارای توان و ظرفیت بالا با قدرت یاددهی عمیق و گسترده و جذابیت بیشتر، به‌ویژه برای کودکان و نوجوانان می‌باشند، منطقی نیست که کتابخانه‌های آموزشگاهی این رسانه‌ها را موادی کمکی و احیاناً تجمیلی انگاشته و عمدتاً بر منابع مکتوب پای فشارند. ناگفته پیداست که منظور از این سخن نفی اهمیت منابع مکتوب نیست، بلکه در کنار این قبیل منابع از منابع غیرمکتوب نیز نباید غافل شد.

با توجه به آنچه گفته شد می‌توان مرکز مواد آموزشی را این‌گونه تعریف کرد: مرکز مواد آموزشی کتابخانه‌ای است که کلیهٔ مواد اطلاعاتی، اعم از مواد مکتوب و رسانه‌های دیداری - شنیداری را در جهت اهدافی معین گردآوری کرده و پس از سازمان‌دهی، تحت ضوابطی معین، در اختیار اعضا و متقاضیان قرار می‌دهد.

اهمیت مراکز مواد آموزشی

آموزش و پرورش هر کشور بدون تردید نقش مهمی در آیندهٔ آن کشور دارد. در واقع، اگر می‌خواهیم در زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، صنعتی، کشاورزی، و حتی سیاسی به رشد و شکوفایی برسیم

۱۰. مواد غیرکتابی طیف گسترده‌ای از رسانه‌ها از تابلوهای نمایشی، فیلم، اسلاید، سه بُعدی‌ها گرفته، تا بسته‌های نرم‌افزاری کامپیوتری را شامل می‌شود. در مقالهٔ حاضر، به منظور سهولت کار، آنها را مواد دیداری - شنیداری نامیده‌ایم.

راهی نداریم جز اینکه آموزش و پرورش را به عنوان سنگ زیربنای آینده کشور تقویت کنیم. تقویت نظام آموزشی وجوه متنوع و مختلفی دارد که نه جای بحث آن در این مختصر است و نه نگارنده صلاحیت ورود به آن را دارد. اما یکی از راه‌های تحقق این امر تأسیس و تقویت مراکز آموزشی در مدارس است، زیرا رسالت این مراکز این است که تضمین کنند، دانش‌آموزان و کارکنان، بهره‌گیرندگان کارآمد دیدگاه‌ها و اطلاعات هستند (۲: ۱). به عبارت دیگر، هرگاه هدف‌های آموزش و پرورش را انتقال دانش، القای تدریجی ارزش‌ها، پرورش مهارت‌ها، و رشد توانایی‌های ذهنی، جسمی، اجتماعی، و هنری بدانیم، نقش کتابخانه‌های مدارس (مراکز مواد آموزشی) نه به عنوان مکمل برنامه‌های آموزشی، بلکه به عنوان ضرورتی اجتناب‌ناپذیر در امر تعلیم و تربیت اهمیت بسزایی خواهد یافت (۱۶: ۴۵).

متجاوز از چهل سال قبل «انجمن امریکایی کتابخانه مدارس»^{۱۱} در مجمع عمومی سالانه خود که در ۱۹۶۵ برپا گردید، با ذکر این بند در قطعنامه رسمی خود گام مهمی در ایجاد مراکز مواد آموزشی برداشت:

«کتابخانه مدرسه علاوه بر کار اساسی خود در زمینه هدایت افراد به خواندن کتاب و ارتقای سطح تحصیل، باید به عنوان مرکز وسایل آموزشی نیز در خدمت مدرسه قرار گیرد. کتاب، نشریه‌های مربوط به ادبیات کودکان و نوجوانان، و سایر مطالب چاپی،

فیلم، نوار ضبط صوت، و هرگونه وسیله جدیدی که به امر یادگیری کمک کند، جزو وسایل آموزشی به حساب می‌آید» (۱۸: ۵). امروزه، درک مفهوم مرکز مواد آموزشی در نظام تعلیم و تربیت کشورهای پیشرفته رشد قابل ملاحظه‌ای کرده و مورد قبول واقع شده است (۸: ۱۴). اما متأسفانه در کشور ما، با وجود افزایش چشمگیر مدارس جدید و گسترش نظام نوین آموزشی در مقاطع مختلف تحصیلی، کتابخانه آموزشی‌گاهی جایگاه واقعی خود را در نظام آموزشی باز نیافته است. آخرین اطلاعات دفتر طرح و برنامه وزارت آموزش و پرورش که متعلق به سال تحصیلی ۱۳۸۱-۱۳۸۲ است، تصویر خوشنودکننده‌ای از کتابخانه‌های آموزشی‌گاهی کشور ترسیم نمی‌کند. به طوری که براساس این اطلاعات ۸۵ درصد مدارس ابتدایی، ۶۰ درصد مدارس راهنمایی، و ۳۰ درصد مدارس متوسطه و پیش‌دانشگاهی فاقد کتابخانه‌اند (۱۴: ۲۶). برای درک اهمیت احداث مراکز مواد آموزشی بد نیست ابتدا نگاهی به وضعیت موجود و مسائل مبتلا به نظام آموزش و پرورش کشورمان بیندازیم:

۱. جمعیت جوان و افزایش زیاد دانش‌آموزان یکی از ویژگی‌های جمعیتی جامعه ایران که همگان بر آن اذعان دارند، جوان بودن جمعیت کشور است که خود باعث افزایش بیش از حد تعداد دانش‌آموزان شده است. از ویژگی‌های این نسل این است که تقریباً

همگی آنان علاقه‌مند به تحصیل می‌باشند. این پدیده اگر چه در وهله اول بسیار مطلوب می‌نماید (در واقع نیز چنین است)، اما این استقبال ناگهانی به دلیل عدم آمادگی نظام آموزشی کشور و عدم رشد امکانات آموزشی، متناسب با رشد تعداد دانش‌آموزان، مشکلاتی جدی به بار آورده است.

در گذشته‌ای نه چندان دور، مردم علاقه زیادی به تحصیل فرزندانشان نداشتند. در مناطق روستایی تقریباً از سواد و درس و مدرسه خبری نبود. در شهرها نیز کودکان، به‌ویژه دختران، از تحصیل محروم بودند، زیرا از دید عموم اهمیت پسران به‌عنوان نان‌آور خانه، از امکان سرمایه‌گذاری مالی برای آموزش دختران می‌کاست و باسواد شدن و آموزش آنها را کاری بی‌مورد جلوه می‌داد (۴: پانزده). این عدم استقبال از آموزش و پرورش به‌حدی بود که دولت مجبور به وضع قانون تعلیمات اجباری گردید (۱۰: ۲۵۲). با این حال، اکثر کودکان روستایی و بخش مهمی از کودکان، به‌ویژه دختران، حتی در شهرها، از تحصیل محروم می‌ماندند. اما امروزه نه تنها تقریباً همه ساکنان شهرها (اعم از دختر و پسر) و اکثریت روستائینان مایل‌اند فرزندانشان از آموزش و پرورش بهره‌مند گردند، بلکه به تحصیلات دبیرستانی نیز اکتفا نکرده و داوطلب ورود به دانشگاه‌ها می‌باشند. رقابت دشوار و نفس‌گیری که برای ورود به دانشگاه‌ها وجود دارد بر کسی پوشیده نیست. جالب اینکه برخلاف گذشته که دختران از تحصیل بی‌بهره بودند، اکنون تعداد دانشجویان دختر بیش از پسران

دانشجو است (۱۳: ۶۲۹؛ ۱۷).

دلیل افزایش دانش‌آموزان و انگیزه استقبال آنان برای نیل به تحصیل هر چه که باشد، مشکلات عدیده‌ای را برای نظام آموزشی به‌بار آورده است، چرا که هر سال به تعداد بیشتری آموزگار نیاز خواهد بود، به‌گونه‌ای که اگر هر سال ۳۰ هزار فارغ‌التحصیل مراکز تربیت معلم در سطوح ابتدایی و راهنمایی تحصیلی و دبیرستان داشته باشیم و همه به‌کار گرفته شوند، باز به زحمت می‌توانیم جوابگوی دانش‌آموزان جدید باشیم (۱۱: ۴). تازه، این در شرایطی است که درحال حاضر ۶۶۱,۷۷۲ نفر آموزگار و ۲۶۳,۲۹۲ نفر کادر دفتری، یعنی جمعاً ۹۲۵,۰۶۴ نفر شاغل در آموزش و پرورش داریم (۱۳: ۶۰۲).

کمبود معلم خود منشأ مشکلات دیگری است؛ مثلاً آموزگاران می‌بایست دو یا چند برابر ساعات موظف خود تدریس کنند و این یعنی فرسایش جسم و روان آموزگاران از سویی و کمبود فرصت جهت مطالعه و به‌روز کردن معلومات و کاهش کیفیت آموزش از سوی دیگر. از تبعات دیگر کمبود معلم، تدریس دروسی است که آموزگار در آنها تخصصی ندارد.

از پیامدهای دیگر افزایش دانش‌آموزان کمبود فضای آموزشی است، زیرا نظام آموزشی قادر نیست همگام با افزایش جمعیت تعداد مدارس و کلاس‌ها را افزایش دهد. ناگزیر، هر سال شاهد این مسئله هستیم که آزمایشگاه‌ها، کارگاه‌ها، انتهای راهروها، زیرزمین‌ها، و انبارهای مدارس از برنامه حذف شده و به کلاس درس تبدیل می‌شوند و یا

مدارس دو نوبته و حتی چند نوبته می‌گردند و بسیاری از دروس با اهمیت از قبیل هنر و کاردستی از برنامه کلاس حذف می‌شوند و در مجموع لطمه‌ای که به کیفیت آموزش و پرورش وارد می‌آید غیر قابل تصور است.

احداث مراکز مواد آموزشی در مدارس می‌تواند کمک چشمگیری به حل این مشکلات نماید؛ زیرا همان‌طور که در سطور آینده خواهیم دید، این مراکز اگر به‌خوبی سازمان‌دهی و اداره شوند، می‌توانند بخش مهمی از آموزش را از دوش معلم برداشته و برعهده خود دانش‌آموزان قرار دهد، تا با استفاده از مراکز مواد آموزشی به آموزش خود و یافتن پاسخ سؤالات خویش بپردازند و بدین‌وسیله، کمبود معلم تا حدی جبران می‌گردد. از دیگر سو، با استفاده از مراکز مواد آموزشی، می‌توان بخش قابل توجهی از زمان آموزش را از کلاس خارج کرد و به مرکز مواد آموزشی، و یا با استفاده از مواد موجود در مرکز، به منزل انتقال داد، به این ترتیب، کمک مؤثری به حل مسئله کمبود فضای آموزشی نمود.

۲. انفجار اطلاعات

در مورد انفجار اطلاعات تاکنون زیاد گفته و بسیار نوشته شده است. از پیامدهای انفجار اطلاعات می‌توان به تحول سریع و نفس‌گیری اشاره کرد که در علوم مختلف در حال وقوع است. لروی ر. لیندمن درباره انفجار اطلاعات آمار جالبی ارائه داده است. وی می‌گوید در خلال شصت سال

اخیر، انتشاراتی که هر ۴۵ سال یک بار، دو برابر می‌شد، اکنون هر پنج سال دو برابر می‌شود. وی خاطر نشان می‌سازد که در هر ساعت بین شصت تا صد هزار مقاله علمی منتشر می‌شود و از هر چهار نسخه‌ای که پزشکان می‌نویسند، سه تای آنها در ۲۵ سال پیش نوشته نمی‌شدند. وی می‌افزاید: «پنجاه درصد مشاغلی که فارغ‌التحصیلان دانشگاه‌ها اشغال می‌کنند هنگامی که خود این افراد متولد شدند وجود نداشتند» (۱۱: ۵).

استهر^۲، رئیس سابق دانشگاه ایندیانا، نکته تکان‌دهنده‌ای را مطرح می‌سازد. او می‌گوید: «یافته‌های علمی پس از گذشت پنج سال کهنه و منسوخ می‌شوند» (۱۱: ۵). مفهوم ضمنی این سخن این است که اگر فارغ‌التحصیلان نتوانند خود را با جریان پرشتاب این تحولات هماهنگ سازند پس از مدت کوتاهی آموخته‌های آنان کهنه و منسوخ خواهد شد. برای جلوگیری از وقوع این امر باید تدابیری اندیشیده شود که تحولی در ساختار آموزش و پرورش، شیوه‌های تدریس، و استفاده از امکانات به‌وجود آید، تا دانش‌آموزان به‌طور مستقل و مادام‌العمر به خودآموزی بپردازند. بدین معنا که دانش‌آموزان به‌گونه‌ای پرورش یابند که برای کسب پاسخ سؤالات خود تنها به آموزگار متکی نبوده و خود شیوه یافتن پاسخ سؤالات خود را بیاموزند و این همان چیزی است که از آن با نام سواد اطلاعاتی یاد می‌شود. از نظر معنایی، سواد اطلاعاتی به

مهارتی اطلاق می‌شود که با داشتن آن، فرد بتواند نیاز اطلاعاتی خود را به صورت نسبتاً دقیق تشخیص دهد، منابع اطلاعاتی مرتبط را شناسایی کند، آنها را برحسب درجه ارتباط با نیاز اطلاعاتی خود ارزش‌گذاری کند، و به تجزیه و تحلیل آن پردازد. این امر در تعلیم و تربیت، نقش بسیار مهمی دارد، زیرا شعار «بیاموزند که چگونه بیاموزند» را که از طرف یکی از مشاوران یونسکو مطرح شده است، محقق می‌سازد (۵: ۴۳).

این کار، یعنی عادت به مطالعه و تحقیق، مانند هر عادت دیگری بر اثر تمرین و تکرار پدید می‌آید، به‌ویژه از کودکی و نوجوانی. بدیهی است که همه عادت‌ها دارای ارزش نیستند، اما عادت‌هایی که از روی آگاهی در نفس بشر مستقر شود و ملکه او گردد نه بی‌ارزش که عین ارزش است. مطالعه نیز از این اصل مستثنا نیست (۱۹: ۱). لذا نظام آموزشی کشور باید به سمتی حرکت کند که این عادت را در فراگیران به‌وجود آورد. مراکز مواد آموزشی از جمله ابزارهای بسیار مؤثر در این زمینه به‌شمار می‌روند و می‌توانند با گردآوری مجموعه‌ای جامع و متناسب با نیازهای آموزشی و تفریحی شاگردان و ایجاد تسهیلات لازم جهت بهره‌گیری از آنها فضایی ایجاد کنند که دانش‌آموزان با علاقه و رغبت به آنها مراجعه کرده و با استفاده از منابع مختلف موجود در مرکز، براساس سلیقه و ذوق و نیاز خود، در داخل و یا خارج از مرکز، به خودآموزی مستقل پردازند. بی‌شک تداوم چنین امری به استقلال آموزشی دانش‌آموز و عادت به

مطالعه و پژوهش می‌انجامد.

۳. تفاوت‌های فردی

انسان‌ها موجوداتی عجیب، پیچیده، و منحصر به فردی هستند. در نظر بگیرد دو خواهر یا برادر دوقلو که از یک پدر و مادر متولد می‌شوند و در محیط‌های کم و بیش مشابهی رشد می‌کنند، سر یک کلاس می‌روند، و احتمالاً دوستان مشترکی دارند و از نظر ظاهری نیز چنان به یکدیگر دیگر شبیه‌اند که اغلب والدین‌شان در تشخیص آنها دچار مشکل می‌شوند، اما در نهایت باز با یکدیگر متفاوت‌اند و هریک دارای علایق و سلیق و طرز تفکر خاص خود هستند. لذا بدیهی است که در امر آموزش نیز هریک از افراد از راه‌ها و شیوه‌های خاص و منحصر به فرد خود می‌آموزند. برخی تنها با خواندن، به راحتی می‌آموزند، برخی دیگر با شنیدن و بحث کردن، بعضی با مشاهده، تعدادی با انجام عملی کارها، و برخی با ترکیبی از دو، یا چند شیوه فوق. گروهی از شاگردان، سریع‌ترند و با یک بار مرور کردن به خوبی فرامی‌گیرند، اما برخی کند هستند و باید مطلبی را چند بار مرور کنند تا بیاموزند. به علاوه، آموخته‌های قبلی و سرعت خواندن افراد نیز متفاوت است. اگر بخواهیم از تمامی ظرفیت‌های بالقوه دانش‌آموزان استفاده کنیم، باید به خاطر داشته باشیم که نمی‌توان و نباید برای همه شاگردان، نیازها، استعدادها، و امکانات مشابهی در نظر گرفته و به همه با یک شیوه آموزش داده شود، بلکه باید امکانات

و زمینه‌های متنوعی را برای پاسخگویی به نیازهای متنوع و متفاوت آنان فراهم کرد.

نکته مهم دیگر اینکه کلیه دستاوردهای بشر در زمینه‌های گوناگون بر اثر تجربه کردن، آموختن، و تبادل اطلاعات با افراد دیگر حاصل شده است. اما مگر نه این است که آموختن و تجربه کردن از طریق استفاده از حواس پنج‌گانه صورت می‌گیرد؟ اگر چنین است، لازم است برای بهره‌گیری از حداکثر توان دانش‌آموزان در یادگیری از روشی بهره بگیریم که از حواس بیشتری در این امر استفاده شود. ساده‌ترین و عملی‌ترین راه در این زمینه احداث و توسعه مراکز مواد آموزشی است، یعنی مراکزی که انواع مواد آموزشی را، صرف‌نظر از محل آنها، گردآوری و عرضه کنند. در واقع، امروزه مرکز مواد آموزشی مهم‌ترین بخش مدرسه به حساب می‌آید. این مرکز کامل‌تر از یک کتابخانه صرف است و به‌مثابه مجموعه‌ای فعال و زنده طراحی می‌شود تا معلمان و دانش‌آموزان بتوانند به‌طور یکسان و طبق نیازهای آموزش و یادگیری به منابع و وسایل آن دسترسی یابند (۳: ۴).

اتحاد یا جدایی کتابخانه و مرکز مواد آموزشی

همان‌طور که گفته شد، مرکز مواد آموزشی سازمانی است که همه انواع مواد آموزشی و کمک آموزشی را، صرف‌نظر از نوع آنها، گردآوری و سازمان‌دهی و ارائه می‌کند. این مسئله بحث‌ها و نظرات متفاوتی را در مورد

این‌که مرکز مواد آموزشی، همان کتابخانه است و یا اینکه سازمانی جدا از کتابخانه باشد، برانگیخته است.

طرفداران جدایی کتابخانه از مرکز مواد دیداری - شنیداری، خاطرنشان می‌سازند که بین مواد موجود در کتابخانه و رسانه‌های دیداری - شنیداری تفاوت زیادی وجود دارد که کتابداران و مسئولان مراکز دیداری - شنیداری را وارد می‌سازد از مفاهیم و فنون متفاوتی در به‌کارگیری آنها بهره‌گیرند.

به‌علاوه، مواد دیداری - شنیداری همان‌گونه که از نامشان برمی‌آید، ماهیتاً به‌گونه‌ای هستند که استفاده از اغلب آنها مستلزم ایجاد سرو صداست و این مسئله با نحوه استفاده از مواد کتابخانه که نیازمند سکوت و آرامش می‌باشد در تضاد است و وحدت کتابخانه و مرکز مواد آموزشی موجب ایجاد اختلال در تمرکز حواس استفاده‌کنندگان از کتابخانه می‌شود.

این عده همچنین عقیده دارند، از نظر سازمان‌دهی (فهرست‌نویسی، رده‌بندی، و آماده‌سازی) تفاوت زیادی بین مواد چاپی و غیرچاپی وجود دارد. لذا بهتر است هر آموزشگاه یک کتابخانه و یک مرکز مواد دیداری - شنیداری مستقل از هم داشته باشد و اگر چه مسئولان این دو مرکز باید با یکدیگر همکاری داشته باشند، اما نباید خدمات آنها در هم ادغام شود.

از سوی دیگر، مدافعان وحدت کتابخانه و مرکز مواد دیداری - شنیداری معتقدند که در صورت اتحاد و ادغام این دو سازمان و تشکیل یک مرکز مواد آموزشی واحد، استفاده‌کنندگان

خدمات بهتری دریافت خواهند کرد. به عنوان مثال، دانش‌آموزی که مشغول فراگیری زبان خارجی است، برایش بسیار راحت‌تر است که کتاب مورد نیاز و نوارهای مربوط (اعم از صوتی یا ویدئویی) را از یک محل دریافت کند. یا برای دانش‌آموزی که مثلاً درباره قلب مطالعه می‌کند، به مراتب مفیدتر است که ضمن امانت گرفتن کتابی در این مورد، از همان محل هم مدل یا مولاژی از یک قلب را تحویل بگیرد.

همچنین در بسیاری موارد، مشکل حتی غیرممکن است که مرزی مشخص بین کتابخانه و مرکز مواد دیداری - شنیداری تعیین کرد، زیرا موادی مانند نقشه، کره، نمودار، عکس، و نوار ضبط صوت در هر دو مرکز باید وجود داشته باشد و تهیه آن برای هر دو مرکز دوباره‌کاری و اتلاف بودجه است، ضمن آنکه اگر برای یکی از آنها این خرید صورت گیرد مسئله‌ساز خواهد بود.

سوم اینکه مدارس ما از کمبود بودجه و فضا رنج می‌برند، بنابراین تأسیس دو ساختمان جداگانه و استخدام مسئولان و کارکنان مختلف برای هر یک از آنها هزینه هنگفتی را بر بودجه مدارس تحمیل کرده و مشکلات آنها را دوچندان خواهد ساخت. به علاوه، با اندیشیدن تمهیداتی از جمله به کار بردن عایق‌های صدا (آکوستیک) در ساختمان دیوارها، درها، و سقف مرکز و همچنین با استفاده از گوشی، در بسیاری موارد، می‌توان مشکل سروصدا را رفع کرد.

در هر حال، نباید فراموش کرد که هدف

از ایجاد چنین مراکزی بالا بردن کیفیت آموزشی و توان علمی دانش‌آموزان است و این مهم در گرو همکاری و هماهنگی این مراکز با اهداف آموزشی و برنامه‌های کلاسی است. لذا اتحاد یا جدایی این مراکز مفهومی ندارد و آنچه در این رابطه تعیین‌کننده است امکانات، برنامه‌ریزی، و میزان گستردگی مراکز مادر، یعنی مدرسه است. اگرچه در بیشتر کشورهای جهان، حتی کشورهای پیشرفته‌ای که از نظر مالی و تجهیزاتی مشکلی ندارند، وحدت کتابخانه‌ها و مراکز مواد دیداری - شنیداری مورد توجه قرار گرفته و کتابخانه‌های این کشورها به مراکز مواد آموزشی تغییر یافته‌اند.

نکته اساسی انتصاب افرادی علاقه‌مند، دل‌سوز، فعال، آشنا با مسائل آموزشی، و آگاه به اهمیت و نقش مواد آموزشی در یادگیری است. مسئول چنین مرکزی باید با برنامه‌های درسی دانش‌آموزان مقاطع مختلف آشنایی داشته باشد و با همکاری و هماهنگی قبلی با آموزگاران، قبل از شروع هر کلاس، مواد آموزشی و کمک آموزشی مناسب را جهت غنا بخشیدن به برنامه‌های درسی فراهم و آماده کند. همچنین، لازم است با نحوه ارزیابی هر یک از مواد و شیوه‌های انتخاب و سفارش و مراکز تولیدکننده و فروشندگان آنها آشنا باشد تا با توجه به بودجه محدود خود و برنامه‌های درسی بهترین مواد ممکن را خریداری کند.

اما سفارش و خرید مواد خوب به تنهایی کافی نیست؛ بلکه باید این مواد به‌نحو مطلوبی سازمان‌دهی شوند تا به راحتی قابل

بازیابی و بهره‌گیری باشند. لذا آشنایی کافی با شیوه سازمان‌دهی انواع مواد آموزشی و کمک آموزشی نیز از ویژگی‌های افرادی است که در مراکز مواد آموزشی فعالیت می‌کنند. به‌علاوه، برنامه اثربخش مرکز مواد آموزشی به تلاش‌های همه‌جانبه افرادی بستگی دارد که مسئول یادگیری دانش‌آموزان هستند؛ یعنی آموزگاران، مدیران، دانش‌آموزان، و متخصصان چندرسانه‌ای (۲: ۲۸).

مرکز مواد آموزشی یا مرکز هدایت فعالیت‌های آموزشی

اگر نظام آموزشی را به صورت مثلی در نظر بگیریم اضلاع آن عبارت خواهند بود از: آموزگار، دانش‌آموزان، و ابزارها و تجهیزات آموزشی و کمک آموزشی. در زیر به بررسی نقش و جایگاه ارکان نظام آموزشی می‌پردازیم:

۱. معلم در نظام آموزشی سنتی به‌تنهایی مسئولیت آموزش شاگردان را برعهده داشت. این آموزش از طریق انتقال و دیکته متون درسی معین صورت می‌گرفت. در این شیوه، فرض بر آن است که معلم با تأکید بر تکرار و یادسپاری، مطالب را به یادگیرنده انتقال می‌دهد. در این فرایند، حتی اگر به‌درستی نیز انجام پذیرد، یادگیری سطحی صورت گرفته است (۴۷: ۱۶). درحالی‌که امروزه معلم به‌عنوان یکی از منابع اطلاعاتی به‌حساب می‌آید. او موضوع‌های کلی و سرفصل‌های مطالعه را مشخص می‌کند، استعدادهای بالقوه دانش‌آموزان را برای یادگیری کشف

و تقویت می‌کند و منابع، روش‌ها، و فعالیت‌های آموزشی را در نظامی پیوسته و منطقی با یکدیگر تلفیق می‌کند تا محیط مناسبی برای یادگیری به‌وجود آید. او به اداره فعالیت‌های گروهی کمک می‌کند و روابط داخلی میان گروه‌های موقتی را که هرازگاهی به‌وجود می‌آیند و سپس کارشان خاتمه می‌یابد، نظام می‌بخشد. از او انتظار می‌رود که مشکلات اختصاصی برخی اعضای گروه را تشخیص دهد و برای رفع آنها چاره‌اندیشی کند. حتی اگر این مشکلات همگانی نباشد و تنها به همان افراد خاص مربوط باشد (۲۰: ۱۵۴-۱۵۵). معلم باید نظامی بگستراند که استفاده‌کنندگان بتوانند در پرتو آن خود را ارزیابی کنند و مجبور نباشند برای هر موردی به آموزگار مراجعه کنند. اگر هدف از امر یادگیری، مستقل ساختن شاگردان است، پس برای او ضروری است که منابع و ابزارهای موردنیاز چنین نظامی را نیز در دسترس داشته باشد (۲۰: ۱۵۵). مناسب‌ترین محل برای آموزش‌های انفرادی و یا گروه‌های کوچک و نیز جهت استقرار و بهره‌گیری از منابع و ابزارهای مذکور مرکز مواد آموزشی است.

معلم همچنین باید به تولید مواد آموزشی پردازد و آنها را به مجموعه‌ی موادی که در مرکز مواد آموزشی نگهداری می‌شوند، اضافه کند. بنابراین، همکاری نزدیک او و کسانی که مسئولیت مدیریت چنین مجموعه‌هایی را برعهده دارند، ضروری است (۲۰: ۱۵۵). بهترین مکان ساخت مواد آموزشی «مرکز

مواد آموزشی» است.

و کامپیوتر گرفته تا اسلاید و فیلم استریپ و ماکت و نمونه به‌وفور در دسترس هستند و می‌توان و، باید، آنها را در نظام آموزشی به‌کار گرفت و مناسب‌ترین محل برای به‌خدمت گرفتن این رسانه‌ها نیز مرکز مواد آموزشی است.

۲. دانش‌آموزان. در آموزش سنتی، دانش‌آموزان به مجموعه‌ای اطلاق می‌شوند که اجزای آن، یعنی افرادی که کلاس را تشکیل می‌دهند، منحصراً براساس نتایج امتحانی‌شان قضاوت می‌شوند. معلمان به‌ندرت می‌توانند به نیازها و ظرفیت‌های گوناگون شاگردان توجه داشته باشند. برای همه شاگردان، نیازها، استعدادها، و امکانات مشابهی در نظر گرفته می‌شود. درحالی‌که «شاگرد استاندارد» وجود ندارد و هر فرد با سرعت خاص خود، روش منحصربه‌فرد خود، و طبق نیازهای خود فرا می‌گیرد.

مرکز مواد آموزشی به‌عنوان مرکز فعالیت‌های پرورشی و تمرین روابط اجتماعی

عوامل متعددی باعث می‌شوند تا حصارهایی بین معلمان و دانش‌آموزان ایجاد گردند. اگرچه بسیاری از معلمان این تلاش شایسته را دارند که به شاگردان نزدیک شوند، ولی بسیاری دیگر از آنان این مرزبندی‌ها را تشدید می‌کنند. دانش‌آموزان از معلمان و مدیر و کادر آموزشگاه تصوری ابهام‌آمیز و گاه مخوف دارند (۱: ۱۸-۱۹).

هدف اساسی هر نظام مبتنی بر منابع اطلاعاتی که به سوی خودسازی فرهنگی گرایش دارد این است که به شاگردان بیاموزد چگونه مستقلاً به دانش و منابع اطلاعاتی دانش دست یابند. آنچه در اینجا موردنظر است، آموزشی است که شاگرد را قادر سازد اطلاعات موردنظر را به‌تنهایی و یا با گروه کوچکی که به میل خود انتخاب کرده است، به‌دست آورد (۲۰: ۱۵۸-۱۵۹). رسیدن به چنین مرحله‌ای مستلزم وجود امکانات، ابزارها، و منابعی است که مناسب‌ترین مکان برای گردآوری و سامان‌دهی آنها مرکز مواد آموزشی است.

اصولاً فضای کلاس، فضایی خشک و بی‌روح و تابع انضباطی سخت و آزاردهنده است. دانش‌آموزان در چنین فضایی ناگزیرند شخصیت واقعی خود را در پشت چهره‌ای منضبط و مؤدب مخفی سازند. این امر باعث می‌شود، معلمان به آسانی موفق به کشف شخصیت واقعی و شناخت روحیات، سلیقه‌ها، استعدادها و نیازهای آنها نشوند.

۳. ابزارها و تجهیزات آموزشی. روزگاری تعلیم و تربیت و ابزارهای آموزشی فقط معلم و تخته سیاه و متنی خاص برای آموختن بود، ولی امروزه دیگر این ابزارها پاسخگوی نیاز علمی دانش‌آموزان و نظام آموزشی نیست. هم‌اینک انواع گوناگون رسانه‌ها از فیلم و ویدئو

اما مرکز مواد آموزشی دارای محیطی غیررسمی است که در آنجا شاگردان دور از انضباط و نظم خشک کلاسی می‌توانند به معلم خود نزدیک شده و با آنها روابط صمیمانه‌تری برقرار سازند.

همچنین با عضویت در گروه‌های کوچک و بزرگی که به پیشنهاد معلم و یا بنا به میل خود ترتیب می‌دهند، روابط اجتماعی را بهتر می‌آموزند. از این گذشته، عضویت در مرکز مواد آموزشی و استفاده از امکانات آن مستلزم رعایت قوانین این مرکز است که موجب می‌شود فرد به تدریج با ضوابط و مقررات اجتماعی آشنا شود.

از سوی دیگر، بسیاری از مراکز مواد آموزشی از وجود دانش‌آموزان در اداره مرکز بهره می‌گیرند که در پرورش شخصیت و آشنایی بیشتر آنان با جامعه و افراد آن تأثیر مهمی خواهد داشت و نوعی تمرین برای پذیرش مسئولیت‌های اجتماعی بزرگ‌تر محسوب می‌شود.

فی‌الحجر»، و اگر می‌پذیریم که آینده کشور در مدارس ما رقم می‌خورد، باید در ایجاد و توسعه و تقویت مراکز مواد آموزشی همت گماریم. برای به‌وجود آوردن مراکز مواد آموزشی نباید دست روی دست گذاشت و منتظر فراهم شدن همه امکانات دلخواه و لازم شد. وقتی مشاهده می‌کنیم که آموزشگاهی با هر تعداد دانش‌آموز - اعم از ابتدایی، راهنمایی، و دبیرستانی چه در شهر و چه در دورافتاده‌ترین و کوچک‌ترین روستای کشورمان - فاقد منابع مناسب جنبی و کمک آموزشی و کتابخانه است، باید بی‌درنگ دست به کار شویم، چرا که بسیار دیر شده است (۱۲: ۳۴).

منابع

۱. آقایی، خسرو. *آشنایی با کتابخانه‌های آموزشگاهی*. [بی‌جا]: محیا، ۱۳۷۵.
۲. انجمن کتابداران آموزشگاهی آمریکا. *اقتدار اطلاعات: رهنمودهایی برای برنامه‌هایی چندرسانه‌ای کتابخانه‌های آموزشگاهی*. برگرداندگان عبدالرسول جوکار، جلال رحیمیان شیراز: دانشگاه شیراز، ۱۳۷۹.
۳. پورتر، دیوید اس. «چگونه یک مرکز مواد آموزشی فعال طراحی کنیم؟». ترجمه محمود راجی. *رشد تکنولوژی آموزشی، دوره هشتم*، ۷ (فروردین ۱۳۷۲): ۴ - ۵.
۴. ترابی فارسانی، سهیلا. *اسنادی از مدارس دختران از مشروطه تا پهلوی*. تهران: سازمان اسناد ملی ایران، ۱۳۷۸.
۵. حداد، زهرا. «شاخص‌های عملکرد سواد

نتیجه‌گیری

علی‌رغم توسعه کمی مدارس در کشور و در تمامی مقاطع تحصیلی، به دلیل عواملی مانند افزایش جمعیت جوان طالب تحصیل؛ که خود موجب مشکلات دیگری از قبیل کمبود فضای آموزشی، معلم، و بودجه شده است؛ نظام آموزشی ما را از پرداختن به ساخت و توسعه کتابخانه‌های مدارس و مراکز مواد آموزشی باز داشته است. درحالی‌که ایجاد و توسعه چنین مراکزی می‌تواند کمک بزرگی به حل مشکلات یاد شده کند. اگر می‌پذیریم که خشت اول را که معمار می‌نهد، در استحکام بنا و استواری آن اهمیت دارد و اگر به این حدیث نبوی باور داریم که: «العلم فی الصغر کالتقش

اطلاعاتی دانشجویان». *اطلاع شناسی*، دوره اول، ۳ (بهار ۱۳۸۳): ۴۱-۵۰.

۶. حرّی، عباس. *مروری بر اطلاعات و اطلاع‌رسانی*. تهران: دبیرخانه هیئت امنای کتابخانه‌های عمومی کشور، ۱۳۷۲.

۷. سلطانی، پوری؛ راستین، فروردین. *دانشنامه کتابداری و اطلاع‌رسانی*. تهران: فرهنگ معاصر، ۱۳۷۹.

۸. فامیل ذوقی، اکرم. «ضرورت تبدیل کتابخانه‌های مدارس به مراکز یادگیری». *رشد تکنولوژی آموزشی*، دوره ششم، ۸ (اردیبهشت ۱۳۷۰): ۱۴-۱۶.

۹. فوترگیل، ریچارد؛ بوچارت، یان. *مواد غیرکتابی در کتابخانه‌ها*. ترجمه کاظم خادمیان. مشهد: آستان قدس رضوی، ۱۳۷۹.

۱۰. قاسمی پویا، اقبال. *مدارس جدید در دوره قاجاریه*. تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۷۷.

۱۱. کنعانی، مسعود؛ علی اکبر تهرانی، مهیندخت. *مقدمات تکنولوژی آموزشی*. مشهد: خراسان، ۱۳۷۱.

۱۲. مجیدی، موسی. *راهنمای ایجاد و گسترش کتابخانه‌های آموزشی*. تهران: مدرسه، ۱۳۷۸.

۱۳. مرکز آمار ایران. *سالنامه آماری کشور ۱۳۸۳*. تهران: مرکز آمار ایران، ۱۳۸۴.

۱۴. میرحسینی، زهره. *مواد و خدمات کتابخانه‌ای برای بزرگسالان نوسواد*. تهران: سمت، ۱۳۸۳.

۱۵. نجفی‌زند، جعفر. «مراکز منابع یادگیری». *رشد تکنولوژی آموزشی*، دوره هفتم، ۵ (بهمن ۱۳۷۰): ۷-۵.

۱۶. نشاط، نرگس؛ حرّی، عباس. *کتابخانه آموزشی در مدرسه کتابخانه - مدار*. تهران:

شبکه کتاب، ۱۳۸۳.

۱۷. وزارت علوم تحقیقات و فناوری، مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی. *آمار آموزش عالی دریک نگاه*، ۱۳۸۴. قابل دسترسی در: www.irphe.ir/fa/statistics

۱۸. ویلر، رابرت سی. «مرکز مواد آموزشی و انواع آن». ترجمه و تلخیص محمود راجی. *رشد تکنولوژی آموزشی*، دوره هشتم، ۵ (بهمن ۱۳۷۱): ۷-۵.

۱۹. یغمایی، جواد؛ خندان، محمد. *کودک و مطالعه*. تهران: کتابدار، ۱۳۸۳.

۲۰. یونسکو. «راه‌های تبدیل کتابخانه‌های مدارس به مراکز چند رسانه‌ای». ترجمه شیفته سلطانی. *نامه انجمن کتابداران ایران*، دوره دهم، ۲ (تابستان ۱۳۵۶): ۱۴۳-۱۶۰.

21. Haycock, Ken. "Services of school resource centers". *Emergency Librarian*, Vol.13, No.1 (Sep./Oct. 1985): 28 – 29.

22. Heery, M. J. *Audiovisual materials I academic libraries: report*. London: Library Associatip Audiovisual Group, 1984.

23. Jones, M. C. *Non-book teaching materials in the health sciences: a guide to their organization*. London: Gower, 1987.

24. Lamkin, Bernice. "A Media center for the 21st century". *School Library Journal*, Vol.33, No. 3 (Nov.1986): 25 – 29.

25. Thomas, J. L. *Non-print production*. Littleton: Libraries Unlimited, 1988.

26. Rogers, J. V.; Saye, J. D. *Non-print catalogueing for multi - media collections: a guide based on AACR2*. Littleton: Libraries Unlimited, 1987.

تاریخ دریافت: ۱۳۸۵/۴/۱۳

